

رخداد

سقوط مرموز دختر ۱۰ساله

■ **شرق:**
پلیس تحقیقات خود را از مردی که دخترش به طرز مشکوکی از پنجره به بیرون پرت شده و جان باخته، آغاز کرده است. به گزارش خبرنگار ما، دختر ۱۰ساله که درسا نام دارد در آخرین ساعات روز دوشنبه از پنجره خانه به بیرون پرت شد و زمانی که یک همسایه بالای سرش رسید دخترک فقط در یک جمله گفت «اِحت سَدم» و سپس جان باخت، وقتی ماموران کلانتری سترخان در جریان این حادثه قرار گرفتند، بلافاصله خود را به محل رساندند و متوجه شدند درسا با پدر و نامدری‌اش زندگی می‌کرد و قبایلی قبل از مرگش هم در حال مشاجره با آنها بود. ماموران همچنین متوجه شدند پدر درسا به ماده محرک شیشه اعتیاد داشته و به همین دلیل هم از مادر درسا جدا شده بود. یکی از همسایه‌ها به ماموران گفت: درسا و نامدری‌اش هر روز با هم درگیری داشتند، ساعت‌ها بود که از خانه آنها صای جروبحث می‌آمد و ما فکر می‌کردیم درسا با با نامدری‌اش دعوا کرده است اما زمانی که درسا از پنجره به پایین پرت شد، پدرش در حالی که گریه می‌کرد فریاد زد من دِخترم را کُشتم! و چندین‌بار این جمله را تکرار کرد. بنابراین گزارش به دستور بازپرس پرونده پدر درسا هم‌اکنون بازداشت است و تحقیقات از او در حالی ادامه دارد که این مرد منکر قتل است.

افشای راز قتل پس از ۲۰ سال

■ **ایستنا:**
راز قتل زنی که ۲۰ سال قبل در بروجرد از درآمده بود، فاش شد. سرهنگ غلامزاده جاشین فرماندهی انتظامی لرستان دراین‌باره گفت: در پی قتل زنی در روز نوزدهم اردیبهشت سال ۸۸، ماموران آگاهی بروجرد با انجام تحقیقات و کار اطلاعاتی با هماهنگی مقام قضایی موفق به شناسایی و دستگیری متهم به قتل شدند و با بیان اینکه متهم به قتل پس از اعتراف روانه زندان شد، تصریح کرد: با بررسی سرنخ‌های به‌دست‌آمده مشخص شد شباهتی بین این قتل با قتل یک زن در سال ۷۰ وجود دارد که با بررسی سوابق موجود، خانواده مقتول شناسایی و با تحقیقات از آنان مشخص شد آن زن با ضربات چاقو به قتل رسیده و اشیای قیمتی وی از جمله مقداری طلا به سرقت رفته بود. غلامزاده ادامه داد: با هماهنگی مقام قضایی متهم به قتل از زنان تحویل اداره آگاهی شهرستان بروجرد شد و ابتدا از قتل در سال ۷۰ اظهار بی‌اطلاعی کرد اما با انجام تحقیق و بازجویی‌های فنی، سرنجام متهم لب به اعتراف گشود و گفت با مقتول دارای نسبت فامیلی بود و در یک فرصت مناسب با حضور در منزل وی را وارد کردن ضربات چاقو او را به قتل رساند و طلاهای وی را سرتقت کرد.

دستگیری سارقان داخل خودرو

■ **شرق:**
دو سارق لوازم داخل خودرو حین سرقت از یک دستگاه پژو ۲۰۶ دستگیر شدند و ۱۸ فقره سرقت اعتراف کردند. سرهنگ «عبدالرضا خیرخواهان» فرمانده انتظامی کرج در این‌باره توضیح داد: به دنبال دریافت گزارش‌های مبنی بر وقوع چندین فقره سرقت داخل خودرو در منطقه رجایی‌شهر کرج، پیگیری موضوع در دستور کار ماموران انتظامی قرار گرفت به این ترتیب ماموران روز دوشنبه دو سرنشین یک دستگاه موتورسیکلت که به طرز مشکوکی در حال گشت‌زنی در اطراف خودروهای پارک‌شده بودند در یکی از خیابان‌های فرعی تحت نظر گرفتند و زمانی که یکی از آنها قصد باز کردن یک دستگاه پژو ۲۰۶ داشت، آنها را دستگیر کردند. در حال حاضر با شناسایی ۱۳ مالباختگان تلاش برای شناسایی دیگر مالباختگان ادامه دارد.

طلاق برای شرکت در مسابقه موسیقی شبکه ماهوارهای

■ **ایستنا:**
زنی برای اینکه بتواند در یک مسابقه خوانندگی که از سوی شبکه ماهوارهای بر گزار می‌شود شرکت کند، درخواست طلاق کرد. این زن با حضور در دادگاه خانواده گفت: از دوران کودکی به خواندن علاقه‌مند بودم. از لحاظ دبستان در سرودهای مدرسه شرکت می‌کردم و خیلی از افراد خانوادام در این زمینه مشوق من بودند. وی ادامه داد: زمانی که به عقد همسرم درآمدم ۲۳ سال داشتم و از همان ابتدا به او گفته بودم که به خوانندگی علاقه‌مند هستم و دوست دارم فرصتی در این زمینه برایم فراهم شود تا از آن نهایت استفاده را ببرم. این زن جوان که اکنون ۲۸ سال دارد، خاطرنشان کرد: اوایل خواهان جدایی از همسرم نبودم فقط تقاضای گرفتن مهریه‌ام را داشتم، اما همسرم از پرداخت حق و حقوقم خودداری کرد و من به ناچار برای دریافت مهریه‌ام، درخواست طلاق را به دادگاه ارایه کردم تا بتوانم به آرزوهایم دست پیدا کنم. شوهر این زن نیز گفت: غیرت من اجازه نمی‌دهد مهریه همسرم را پرداخت کنم تا او بتواند با پول آن در مسابقه موسیقی یک شبکه ماهوارهای شرکت کند. من به همسرم علاقه‌مند هستم و نمی‌خواهم او وارد منجالی‌شود که خودش از آن بی‌خبر است، وی افزود: همسرم صدای خوبی دارد اما من نمی‌توانم مانند دیگر مردن به او اجازه دهم در برنامه موسیقی ماهوارهای شرکت کند. حتی حاضر به دلیل نپرداختن مهریه راهی زندان نشوم اما همسرم وارد این عرصه نشود. در پایان این جلسه زن جوان یک بار دیگر تاکید کرد: یکی از بزرگ‌ترین آرزوهای من شرکت در این مسابقه است حتی اگر نتوانم، برده آن باشم، من از همسرم خواستم در این سفر مرا همراهی کند تا دیگر نگرانی ای در میان نباشد اما او این حرف مرا نیز قبول نمی‌کند.بنابراین گزارش قاضی دادگاه بعد از شنیدن اظهارات طرفین ادامه رسیدگی به پرونده را به جلسه آینده موکول کرد.

شرق: مردی که رقیب عشقی‌اش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده و جسدش را کنار رودخانه‌ای رها کرده بود با تایید حکم قصاصش از سوی دیوان عالی کشور یک قدم به مرگ نزدیک شد.

به گزارش خبرنگار ما، ماموران پلیس کرج ۲۰ اسفند سال ۸۷ حین گشت‌زنی به شی ملحفه‌پیچی که کنار یک رودخانه رها شده بود مشکوک و زمانی که به آن نزدیک شدند مشاهده کردند در میان ملحفه یک جسد وجود دارد که ظاهر آن نشان می‌دهد با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده است. جسد به پزشکی قانونی انتقال یافت و تحقیقات برای شناسایی هویت مقتول آغاز شد. چند ساعت بعد از پیدا شدن جنازه، خانواده مردی به نام احمد به پلیس مراجعه کردند و مدعی شدند فرزند ۳۳ساله‌شان گم شده است، خانواده احمد گفتند قرار بود او کاری را در خارج از خانه انجام بدهد و خیلی زود برگردد اما این‌طور نشد. مادر احمد گفت پسرش را در یک تماس تلفنی با عجله از خانه خارج شد، وقتی این زن مشخصات پسرش را داد، پلیس متوجه شد جسد مکشوفه متعلق به احمد است، بنابراین از خانواده این مرد خواسته شد برای شناسایی

هویت مقتول به پزشکی قانونی بروند. زمانی که کشوی حاوی جسد در سردخانه پزشکی قانونی بیرون کشیده شد برادر احمد جنازه را شناخت. با مشخص شدن هویت جسد تحقیقات در مورد زندگی شخصی احمد آغاز شد. همه چیز نشان می‌داد این مرد جوان قربانی کینه عمیقی شده است. ضربات پی‌درپی‌ای که به وی وارد شده بود، حکایت از این کینه داشت.

زمانی که ماموران تلفن همراه احمد را مورد بررسی قرار دادند متوجه شدند آخرین تماس با این مرد از سوی زنی به نام ریحان صورت گرفته است و این دوا از مدت‌ها قبل با یکدیگر در تماس بودند.

پلیس ریحان را شناسایی و بازداشت کرد. اولین جملات ریحان نشان داد او از راز قتل احمد باخبر است. این زن گفت: احمد کشته شده و قاتل او شوهر من است. عباس شوهرم او را کشت و من شاهد این قتل بودم. ریحان اتفاقی را که رخ داده بود این‌طور شرح داد: یک سال بود که با احمد آشنا شده بودم و با هم رابطه داشتیم. من شوهرم عباس را دوست نداشتم. او معتاد بود و وقتی شیشه می‌کشید دیگر کنترلی بر رفتارهایش نداشت و من

شرق: مرد معتاد بعد از کشتن دوستش برای اینکه توسط پلیس دستگیر نشود با جعل هویت در یک مرکز ترک اعتیاد بستری شد.

کارآگاهان جنایی پلیس آگاهی کرج روز ۱۷ شهریور از وقوع یک جنایت در مشکین‌دشت باخبر شدند و با رفتن به آنجا به تحقیق در این رابطه پرداختند. آنها متوجه شدند نزاعی بین سرنشین یک پراید و مردی موتورسوار در گرفت و موتورسوار با ضربه قمه طرف مقابل را به قتل رساند و به سرعت گریخت. وقتی راننده پراید تحت بازجویی قرار گرفته گفت مقتول را نمی‌شناسد. این مرد توضیح داد: «مقتول را به عنوان مسافر سوار کرده بودم، هنوز به مقصد نرسیده بودیم که موتورسوار ارامان را سد و آن مرد را پیاده کرد و او را با قمه زد.»

مدارک شناسایی همراه مقتول نشان می‌داد او ناصر نام دارد. کارآگاهان با توجه به اظهارات شهوید به این نتیجه رسیدند که متهم به قتل و ناصر یکدیگر را از قبل می‌شناختند و با هم اختفای دیرینه داشتند و رویارویی

حوادث

متهم با تایید دیوان عالی کشور به یک‌قدمی مرگ رسید

قتل مرد مورد علاقه همسر

را کتک می‌زد. اصلا از زندگی‌ام راضی نبودم. آخرین بار وقتی که باهم دعوا کردیم من با حالت قهر خانه را ترک کردم و به احمد هم گفتم که می‌خواهم از شوهرم جدا شوم. قرار بود وقتی طلاق گرفتم با احمد ازدواج کنم اما پدرم از قهر کردن من عصبانی شد و مرا به خانه شوهرم برگرداند. او گفت هیچ حمایتی از من نمی‌کند. مجبور شدم پیش عباس بروم اما همچنان از او بیزار بودم و به احمد خیلی بیشتر نزدیک شده بودم.

ریحان ادامه داد: یک هفته قبل از قتل، شوهرم فهیمد من با احمد رابطه دارم. او خیلی مرا تحت فشار قرار داد و کتکم زد، بعد از من خواست هر طور شده احمد را به خانه بکشم اما من قبول نکردم. خیلی کتکم زد. دیگر نتوانستم زیر کتک‌هایش دوام بیاورم و با احمد تماس گرفتم و گفتم کسی در خانه نیست و از او خواستم بیاید. احمد هم وقتی دید گریه می‌کنم بلافاصله آمد. وقتی وارد خانه شد عباس او را غافلگیر کرد و یک ضربه به وی زد. احمد نتوانست واکنش نشان دهد و عباس ضربات بعدی را به بدنش وارد کرد. وقتی احمد جان داد عباس او را لای ملحفه‌ای پیچید و بعد جسدش را کنار رودخانه‌ای در همان اطراف رها کرد.

اعضای خانواده وی تشخیص دادند. در حالی که ابتدا همگی از محل اختفای مهدی ابراز بی‌اطلاعی می‌کردند، سرانجام بعد از چند روز تحقیق فاش شد این مرد به

اصفهان گریخته و برای اینکه از دست ماموران در امان بماند با استفاده از مشخصات جعلی به یک کمپ ترک اعتیاد رفته و در آنجا بستری شده است. افس‌ای این موضوع سبب شد تیمی از ماموران با دریافت نیابت قضایی به اصفهان بروند. این‌گونه بود که متهم در مرکز ترک اعتیاد بازداشت و به مرکز منتقل شد. او در بازجویی‌های اولیه با اصرار خودش را با همان هویت دروغین معرفی کرد و مدعی شد فردی به‌نام ناصر را نمی‌شناسد و از قتل او بی‌خبر

شرق: دو کیف‌قاپ حرفه‌ای هنگامی که قصد داشتند با پول‌های مسروقه یک خودرو مزدا۳ بخرند، در حلقه محاصره پلیس گرفتار شدند. به گزارش خبرنگار سا، کارآگاهان پایگاه هشتم پلیس آگاهی

تهران از نخستین روز ماه جاری در پی شکایت یک مالباخته تحقیقات‌شان را برای دستگیری دو سارق موتورسوار آغاز کردند. شاکي وقتی در پلیس آگاهی حاضر شد، درباره نحوه وقوع سرقت گفت: «همراه یکی از همکارانم، برای گرفتن پول به بانکی در میدان منبریه رفتم و مبلغ پنج میلیون تومان وجه نقد دریافت کردم. بعد هر دو نفر از بانک خارج شدیم و به محل پارک موتورسیکلت رفتیم. در همین هنگام یک هوندا ۱۲۵، با دو سرنشین به ما نزدیک شد و سرنشین عقب موتورسیکلت در یک محله‌ای به طرف کیفی که پول‌ها را در آن گذاشته بودم، دراز کرد و با تمام قدرت کیف را به سمت خود کشید اما زمانی که آن دو موتورسوار قصد داشتند فرار کنند، توانستم پیراهن نفر عقب را بگیرم؛ همین کار باعث شد دو میلیون تومان پول‌ها روی زمین بریزد اما آن دو با مابقی پول‌ها فرار کردند.» کارآگاهان پس از دریافت این جزئیات به بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته بانک پرداختند و یکی از مجرمان سابقه‌دار به نام حسین را شناسایی کردند. این متهم ۲۰ساله آخرین بار

با اعترافات ریحان شوهرش هم بازداشت شد. این مرد به قتل اعتراف کرد و گفت: من نمی‌خواستم احمد را بکشم اما وقتی متوجه رابطه‌اش با همسرم شدم و ریحان به من گفت با احمد رابطه جنسی داشته است، نتوانستم این موضوع را تحمل کنم به همین خاطر هم به زرم فشار آوردم که احمد را به خانه بکشاند. البته ریحان نمی‌دانست من قصد کشتن احمد را دارم.

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۸۰ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد و عباس و ریحان در برابر اتهاماتی که دادستان به آنها وارد کرده بود از خود دفاع کردند. عباس اتهامش را قبول کرد و گفت چون مقتول به زنش تجاوز کرده بود دست به قتل زده است اما ریحان اتهام معاونت در قتل را رد کرد و گفت نمی‌دانست شوهرش چه قصدی داشت. در نهایت عباس به جرم قتل احمد به قصاص و ریحان به یک سال حبس محکوم شد. این رای مورد اعتراض قرار گرفت و شعبه ۱۱ دیوان‌عالی کشور پرونده را یک بار دیگر مورد رسیدگی قرار داد و رای صادره را تایید کرد. به این ترتیب عباس یک قدم دیگر به مجازات نزدیک و پرونده قصاص نفس او برای گذراندن مراحل قانونی به دادسرای کرج ارسال شد.

است. داستان‌سازی‌های متهم بعد از چند جلسه بازجویی به پایان رسید و او فهیمد چارهای جز معرفی خودش و اعتراف به قتلی که انجام داده است ندارد. متهم درباره انگیزه‌اش از کشتن ناصر چنین گفت: «چندماه قبل از روز حادثه با مقتول به خاطر اختلاف مالی درگیر شدم و ناصر در این درگیری دو ضربه چاقو به من زد و من که از او کینه به دل گرفته بودم، تصمیم داشتم در یک فرصت مناسب تلافی کنم. به همین دلیل وقتی روز حادثه او را در خیابان سسوار بر خودرو پراید دیدم، بلافاصله جلو ماشین‌ا را گرفتم و با قهملای که به همراه داشتم چند ضربه به شکم وی زدم و متواری شدم.»

متهم به قتل ادامه داد: فردای آن روز وقتی متوجه شدم ناصر فوت شده است، بلافاصله با همکاری یکی از دوستانم به اصفهان رفتم و با هویت جعلی در یکی از کمپ‌های ترک اعتیاد پذیرش و مخفی شدم تا اینکه توسط پلیس شناسایی و دستگیر شدم.

بنا بر این گزارش، متهم اکنون در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات از وی ادامه دارد.

دستگیری دو کیف‌قاپ حین خرید مزدا۳

در سال ۸۹ به اتهام کیف‌قایی روانه زندان شده اما ادرخدا‌مه اسمال با سپردن وثیقه مرخصی گرفته و از همان تاریخ متواری شده بود. کارآگاهان در ادامه همدست ۲۳ساله حسین را نیز که جعفر نام دارد، شناسایی

کردند و فهمیدند این دو به یک نمایشگاه اتومبیل در شهری رفت‌وآمد دارند و درصدد هستند یک خودرو مزدا۳ را بخرند به این ترتیب ماموران به بنگاه مورد نظر رفتند و دو سارق را هنگام معامله خودرو بازداشت کردند. پس از آن مالباختگانی که به شیوه‌های مشابه و توسط سرنشینان یک دستگاه موتورسیکلت هوندا ۱۲۵ مورد سرقت‌های کیف‌قایی و گردنبندقایی قرار گرفته بودند به پلیس آگاهی دعوت شدند و عده‌ای از آنها دو متهم را شناسایی کردند. زن میانسالی که طعمه این دو شده بود به کارآگاهان گفت: «درست در لحظه‌ای که می‌خواستم وارد خانه‌ام شوم، متهمان به من نزدیک شدند و ادرسی را پرسیدند، زمانی که قصد نشان دادن آدرس را داشتم، ناگهان سرنشین عقب موتور دستش را داخل گردنم انداخت و پس از سرقت گردنبدن، به سرعت از محل دور شدند.

بنا بر این گزارش از آنجایی که احتمال دارد افراد دیگری نیز طعمه این سارقان شده باشند، بازپرس پرونده از روزنامه‌ها درخواست کرد چهره این دو متهم را بدون پوشش منتشر کنند.

■

کیلوگرم بر اثر تشدید بیماری تنفسی و فشار خون مصریانی بودند که برای کار به اردن رفته بودند. **قتل آتشین**
آسوشیتدپرس: پلیس استرالیایی را به جرم سوزاندن یک مرد دستگیر کرد. «کری مک نین» با این ادعا که این مرد نسبت به او سونیت داشت، اقدام به این کار کرد. او برای انتقام گرفتن روی مرد بنزین ریخت و او را آتش زد. این زن در صورت اثبات جرمش به هفت سال زندان محکوم خواهد شد.

چاق‌ترین شهروند امراتی در بیمارستان

ایستنا: چاق‌ترین شهروند امراتی بر اثر تشدید بیماری تنفسی و فشار خون راهی بیمارستان شد. شامس‌الحسبی شهروند امراتی با وزن بالغ ر ۲۴۰

نگاه

فرهنگ خیانت



رایحه موحد*

■ **در حال حاضر** روابط زن و مرد در جامعه باید آسیب‌شناسی شوند تا بفهمیم مسایلی مانند خیانت که در روزنامه‌ها و در مراکز مشاوره دیده می‌شود چگونه پیش آمده است. به عنوان یک مشاور تاکید می‌کنم اکثر مراجعانی که نزد روان‌شناسان می‌روند مسایلی نظیر ارتباط با فردی غیر از همسرشان را مطرح می‌کنند. در روزنامه‌ها نیز چنین حوادثی را که گاه منجر به جنایت شده به وفور می‌توان دید و به نظر می‌رسد این نوع روابط که جامعه و فرهنگ ماچ خیانت را برای آن انتخاب کرده‌اند به نوعی مد یا مسری شده است. اینکه خیانت در جامعه وجود دارد یک حقیقت است و باید بپذیریم این رفتار و تنوع طلیی در اکثر مواقع از سوی مردان شروع شده. تشویق مردان یا دادن آزادی به آنها برای داشتن روابط متعدد باعث از بین رفتن قیج خیانت و عصیان زنان شده است. در گذشته زنان با تفکر سنتی خیانت مردان را تحمل می‌کردند و اسم گذشت و فداکاری روی این رفتار گذاشته‌اند، اما حال حاضر تکرار خیانت از سوی مردان باعث شده زنان فکر کنند دیگر نیازی به نجابت نیست و رفتار متقابل را پیشه می‌کنند. درواقع تفکر سنتی «خوب بودن» از بین رفته و جایگزینی ندارد. می‌توان گفت این اخلاق است که از بین رفته و ضد اخلاق جای آن را گرفته است. در پرونده اخیر مردی، بعد از اطلاع از خیانت همسرش، مرد مورد علاقه او را به قتل رسانده است. این زن ادعا می‌کند چون شوهرش معصاذ زوده و او را دوست نداشته، با فرد دیگری ا نباط برقرار کرده است، در حالی که چنین دلایلی قابل قبول نیست چون در چنین شرایطی امکان طلاق برای زن فراهم است و این شخص می‌تواند با اثبات عسر و حرج با گذشتن از حقوق شرعی خود طلاق بگیرد.

متأسفانه زانی وجود دارند که به همسران‌شان خیانت کردند و معتقدند چون همسرشان آنها را تأمین می‌کند پس باید به زندگی با او ادامه بدهند. بسیاری از آنها می‌توانند جدا شوند اما فقر مالی در صورت مستقل شدن آنها را آزار خواهد داد.

در حال حاضر تعدادی از زنان در جامعه ما به آینده امیدبی ندارند و به دنبال فردی هستند که به او تکیه کنند، آنها در واقع با ازدواج قصد تأمین مالی خودرا دارند. از طرفی این ادعا که من شوهرم را دوست ندارم و به همین دلیل طلاق می‌کنم یک بهانه است، بهانه‌ای برای اینکه افراد شروع به پنهانکاری کنند همان‌طور که ذکر کردم تفکر خیانت بین برخی افراد یک مد و فرهنگ تبدیل شده و چون قانون و فرهنگ چنین اجزایی را به مردان داده است زنان نیز رفتار متقابلی را انجام می‌دهند اما چون محتاج‌ترند، محتاط‌تر رفتار می‌کنند و طلاق نگرفتن را نشانه زیرکی خود می‌دانند. این در حالی است که همین رفتار منجر به جنایت می‌شود.البته این رفتار شامل مردان هم می‌شود، مردانی که در خانه همسرشان از بجها مراقبت می‌کنند و خوششان بیرون از خانه با فرد دیگری رابطه دارند.

مردان جامعه به جای اینکه دنبال زنان فرهیخته باشند در جست‌وجوی زانی با ظاهری زیبا هستند. همین باعث شده مردان دایم به فکر ظاهر بهتر باشند تا خود را ثروتمندتر نشان دهند، مجموعه این رفتارها زمینه‌ر را برای خیانت و جنایت فراهم می‌کند. در این میان همه افراد جامعه در به وجود آمدن این طرز تفکر سهیم هستند و من راه‌حلی برای آن پیشنهاد نمی‌کنم، چرا که جامعه به طور خودکار مکانیسم دفاعی لازم را انتخاب‌کنند.

به نظر من در حال حاضر نمی‌توان توصیه‌ای برای اصلاح جامعه داشت و توصیه‌ها تکراری شده‌اند. این در حالی است که جامعه به سمت جهانی شدن پیش می‌رود. اما افراد ظرفیت، تفکر و آموزش لازم برای زندگی در چنین جامعه‌ای را ندارند و دچار تضاد می‌شوند. در نهایت کارصیح این است این که زنان به لحاظ اقتصادی مستقل باشند تا با مردی که دوستش دارند گشتی‌های جامعه‌ای نداشته باشند. ما به پیشنهاد عوض کنیم نه‌تنها شدنی نیست بلکه غیرعلمی هم هست.

«روان‌شناس و استاد دانشگاه

حادثه‌ها

دستگیری سارقان قبل از سرقت بانک

■ **پلیس خیز:**
ماموران یک باند سارقان مسلح را که قصد داشتند به بانک دستبرد بزنند، متلاشی کردند. سرهنگ «پهروز حسونود» فرمانده انتظامی شهرستان «شوش» با اعلام این خبر افزود: ماموران پلیس آگاهی در پی دریافت خبری مبنی بر فعالیت یک باند سارقان حرفه‌ای در سطح شهرستان شوش پس از اتجام کارهای اطلاعاتی و پلیسی و افزایش گشتی‌های نامحسوس در اطراف بانک‌ها به یک دستگاه پژو ۴۰۵ با سه نفر سرنشین مشکوک شدند و سرنشینان آن را دستگیر کردند. سرهنگ حسونود در ادامه از کشف یک قبضه اسلحه کلاشینکف به همراه چهار عدد فشنگ، سه عدد کلاه، دو عدد ماسک شیطانی، یک عدد کمربند و قانونقه نظلمی، تعداد سه عدد گوشی تلفن همراه و دو جفت پلاک دست‌نویس خبر داد و گفت: متهمان در بازجویی‌های فنی پلیس اعتراف کردند، منتظر زمان مناسب برای حمله به بانک بودند که توسط ماموران پلیس دستگیر شدند. سرهنگ حسونود خاطرنشان کرد: متهمان پس از دستگیری به مراجع قضایی معرفی شدند.